

تأثیر اعدام بر گرایش اعضاء خانواده فرد اعدام شده به ارتکاب جرایم و رفتارهای انحرافی

محمد فرجیها*

عباس شیخ الاسلامی**

آزاده ساطعی***

چکیده

هزینه‌ای که جامعه برای حذف یک فرد می‌دهد، به مراتب بالاتر و وسیع‌تر از اهداف بازدارندگی اعدام است. از هم‌گسیختگی خانواده‌های اعدامی، نه تنها تک‌تک افراد خانواده را در معرض شدیدترین آسیب‌های اجتماعی قرار می‌دهد، بلکه مبدأ و مرکز ثقل آسیب به دیگر بخش‌های جامعه نیز است. سخن از آثار اعدام بر خانواده محکوم‌علیه هیچ‌گاه بازتاب مثبتی نداشته و دربرگیرنده نگرانی‌ها و بازخوردهای منفی این مجازات بوده است. بازتاب منفی اعمال این مجازات، تا مدت‌ها به اعضاء خانواده‌هایی که یکی از افراد آن اعدام شده، برمی‌گردد؛ بدون آنکه هیچ نقشی در جرم ارتكابی فرد اعدام شده، داشته باشند. باوجود آثار منفی گسترده‌ای که اعدام بر بازماندگان می‌گذارد، در این پژوهش به بررسی تأثیر مجازات اعدام بر گرایش اعضاء خانواده فرد اعدام شده به سمت بزهکاری و رفتارهای انحرافی، از جمله استعمال مواد مخدر و الکل بسنده می‌کنیم. مجازاتی که فی حد ذاته به‌خودی خود، تروخشک را باهم می‌سوزاند و قانون‌گذار پاسخ در خور به آن نمی‌دهد، علاوه بر اثرات جبران‌ناپذیری که در زمینه‌های روحی و روانی، وضعیت اقتصادی و غیره دارد، باعث گرایش بازماندگان فرد اعدامی به ارتکاب جرایم و رفتارهای انحرافی و مصرف مواد مخدر و الکل می‌شود که به دلیل بالابودن آمار اعمال این مجازات و تعداد خانواده‌ها و افراد درگیر، بررسی این موضوع و نگاهی عمیق به واکنش‌ها و اعمال و رفتار و معضلات اعضاء این قبیل خانواده‌ها لازم است.

واژگان کلیدی:

اعدام، خانواده محکوم‌علیه، بزهکاری، رفتارهای انحرافی، استعمال مواد مخدر و الکل، جرم‌شناسی

* دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس.

پست الکترونیک: m_farajjha@yahoo.com

** دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، استاد دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

پست الکترونیک: dr.sheikhoeslami@gmail.com

*** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. پست الکترونیک: azade.sateei@yahoo.com



مقدمه:

مجازات اعدام با پیشینه‌ای به درازای تاریخ بشر، بنیادی‌ترین ارزش آدمی، یعنی حیات اجتماعی او را نشانه می‌رود و از این رو سنگین‌ترین مجازات بشری در تاریخ حقوق کیفری به‌شمار می‌آید. با نگاهی به تاریخ تمدن‌های گوناگون می‌توان دریافت که همه ملت‌ها به فراخور زمان، از مجازات مرگ برای پاسخ به برخی از رفتارهای ناقضان قوانین خود بهره برده‌اند.

اعدام به معنای عام شامل اعدام به معنای خاص، قصاص و سایر روش‌های سلب حیات، که در حدود پیش‌بینی شده، است، و اعدام به معنای خاص فقط شامل اعدام‌های تعزیری است. سخن از اعدام، به معنای مجازات سلب حیات محکوم، در مفهوم عام خود، مورد نظر است؛ اعم از اینکه سبب آن قصاص، حدود و یا مجازات اعدام تعزیری باشد. سلب حق حیات، به عنوان یک مجازات، باید از طرف دستگاه قضایی در قانون موضوعه تقنین شده باشد و در دادرسی کیفری حکم به اعدام صادر شده باشد؛ لذا اگر فرد خارج از این موارد اعدام شود، مشمول بحث ما نیست. همچنین، تأثیر کیفر اعدام بر خانواده محکوم‌علیه شامل سه دسته:

الف) مرحله انتساب اتهام

ب) مرحله محکومیت به اعدام

ج) مرحله اجرای مجازات اعدام

تمرکز ما در این پژوهش بر مرحله سوم تأثیرگذاری است.

اکنون تأثیر اعدام بر اعمال و رفتارهای شخصی غیر از محکوم‌علیه، یعنی اعضاء خانواده او، مورد بررسی است. هدف از پژوهش حاضر، یافتن پاسخ مناسب به این پرسش است که مجازات مرگ به چه میزان بر رفتارهای بزهکارانه و انحرافی بازماندگان قربانیان این مجازات تأثیر می‌گذارد. در خصوص اعمال مجازات اعدام، اگر نگوییم که اعدام باید به‌طور کامل حذف شود، با توجه به آثار منفی فراوان آن، باید به حداقل ممکن کاهش یابد. ارائه برنامه‌های حمایتی برای بازماندگان این مجازات و دستیابی به راه‌حل‌هایی جهت کاهش آثار منفی آن، مخصوصاً در مورد کودکانی که پدر یا مادر آنها اعدام شده، صورت گرفته که تا حد ممکن از ایجاد بزه‌دیدگان جدید جلوگیری شود.

مبانی نظری:

۱- نظریه برچسب‌زنی:

این موضوع ابتدا در سال ۱۹۳۸ توسط یک آمریکایی آلمانی تبار، به نام تانن بام، در کتابی با عنوان «جرم و اجتماع» مطرح شد. او در این کتاب نقش اجتماعی یا جامعه



محلی را در به‌وجود آمدن حیات و شغل مجرمانه تعریف می‌کند^۱.
 تانن بام معتقد است به‌دلیل گذشت‌نکردن جامعه نسبت به انحرافات جزئی، فرد نوجوان به تدریج در محله برچسب می‌خورد و در دنیایی متفاوت از دیگران سیر می‌کند. چنین نوجوانی به تدریج از گروه متعارف خارج می‌شود و به قول کوهن کم‌کم مدرسه را ترک کرده و به سمت گروه‌ها یا افرادی هدایت می‌شود که او را قبول دارند یا خود وی به آنها تمایل دارد. این تفکر تانن بام عنوان برچسب‌زنی به‌خود نگرفت، اما در سال ۱۹۶۳، هوارد بیکر^۲، استاد دانشگاه شیکاگو، نظریه تانن بام را روزآمد کرد و تئوری برچسب‌زنی^۳ یا انگ‌زنی یا لکه‌زنی^۴ را ارائه داد. بیکر این نوآوری را نسبت به تانن بام داشت که به ضرورت تعیین مفهوم انحراف اشاره کرد، چون تعریف وضعیت‌ها و موقعیت‌ها، براساس افراد و وابستگی‌های گروهی آنها متفاوت است. به‌عبارت‌دیگر ممکن است عملی که در یک جمع متعارف است، برای گروه دیگر انحراف باشد. او معتقد است که رایج‌ترین برداشت از انحراف جنبه آماری دارد، یعنی منحرف کسی است که از هنجارهای میانگین جامعه دور شود.

۲- نظریه وابستگی:

وابستگی به‌معنای رابطه عمیق احساسی با دیگر افراد است، که در تمام دوره‌ها پیامد پایدار و مهم روانی برای فرد باقی می‌گذارد. این دیدگاه رابطه بسیار نزدیکی با دیدگاه جان بالبی^۵ دارد. مهم‌ترین یافته بالبی، رشد سلامت ذهنی بود. نوزادان و کودکان باید یک رابطه عمیق و گرم و ادامه‌دار با مادر خود و یا کسی که بتواند نقش مادر را بازی کند، تجربه کنند؛ رابطه‌ای که در آن هر دو نفر احساس رضایت و لذت می‌کنند. بر اساس این دیدگاه، انسان پس از جدایی از افرادی که به آنها وابستگی شدید دارد، دچار اضطراب جدایی و حالات روانی متشنجی می‌شود که این عدم‌وابستگی مناسب می‌تواند باعث سقوط وی در ورطه بزهکاری شود. در برخی از بررسی‌ها مشخص شده که احتمال ارتکاب به جرم افرادی که تجربه‌های نامتناسب در وابستگی دارند، بیشتر است.^۶

۳- نظریه فشار مرتون:

او بر این باور است که ریشه‌های جرم و انحراف را باید در ساختار جامعه دید. به

۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ تقریرات جرم‌شناسی، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، ۱۳۷۳، ص ۷۸

2-Howard Becker

3- Labelling theory

4-Stigmatization

5-John Bowlby

۶- سلیمی، علی و داوری، محمد؛ جامعه‌شناسی کج‌روی، قم: پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶، ص ۳۰۶



نظر مرتون در اغلب اوقات، امکانات برای دستیابی به موفقیت براساس طبقه‌بندی اجتماعی اقتصادی تقسیم‌بندی می‌شود. احساس فشار در افراد طبقه متوسط به دلیل این که به امکانات آموزشی و مشاغل معتبر دسترسی دارند، محدود است و راه‌های مشروع کسب موفقیت عمدتاً بر روی افراد جوان بسته می‌شود. به عبارت دیگر نظریه فشار می‌گوید، افراد ناتوان همان چیزهایی را می‌خواهند که افراد توانمند می‌خواهند، ولی هنگامی که در می‌یابند با استفاده از ابزارهای مشروع نمی‌توانند به اهداف خود برسند، تلاش می‌کنند تا از طریق فعالیت‌های غیرقانونی به آنها دست یابند.^۷

۴- نظریه فشار عمومی:

این نظریه محصول کار رابرت اگنیو^۸ و وایت است. اگنیو بر این باور بود که نظریه‌های سنتی فشار، با اهداف ارزشی اثباتی نگاه می‌کند. او چنین اظهار می‌دارد که عاملی دیگر باید به آن اضافه شود و آن هم اجتناب از موقعیت‌های درد آور (منفی) است. همان‌طور که ممکن است رسیدن به اهداف یک فرد متوقف شود، ممکن است توان اجتناب از موقعیت‌های نامطلوب یا رخدادهای پرتنش زندگی نیز از فرد سلب شود. به‌عنوان مثال، ممکن است یک کودک نتواند از یک موقعیت بد خانوادگی خود بگریزد؛ تمام این موقعیت‌ها ممکن است به سطوحی از ناامیدی بیانجامد. وقتی این توقف مثبت و اجتناب منفی با یکدیگر ترکیب شوند، سطوح تنش نشان می‌دهند که می‌توان انتظار نرخ‌های بالاتر خلاف یا انحراف را داشت.^۹

۵- نظریه فنون خنثی‌سازی:

دیوید ماتزا^{۱۰} از سردمداران این نظریه، تلاش می‌کرد تا به معنا و مفهومی که بزهار برای کنش خویش دارد، دست یابد و رابطه میان باورها و کنش فرد را پیدا کند، زیرا باورها و انگیزه‌ها محرک کنش هستند و بدون فهم باورها، تبیین بزهکاری فاصله بسیاری با واقعیت موجود دارد. در واقع در تبیین بزهکاری باید به واقعیت زندگی و تجربه بزهار، به همان وضعیتی که در عالم واقع وجود دارد و فرد بزهار آن را بیان می‌کند توجه نمود، نه اینکه تصویری تحریف‌شده از واقعیت را از منظر محقق ارائه داد.^{۱۱} ماتزا بر این باور است که در عالم واقع ممکن است رخدادهایی برای افراد پیش بیاید که موجب پایین آمدن شئون افراد شود. چنین باورهایی از علم واقع باعث می‌شود تا تقید اخلاقی به نظم قانونی را خنثی ساخته و

۷- معظمی، شهلا؛ بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۹، ص ۱۷۱

8-Robert agnew

۹- فرانکپی، ویلیامز، ماری لین دین؛ نظریه‌های جرم‌شناختی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: میزان، ص ۱۲۰

10-David matza 1964

۱۱- احمدی، حبیب؛ جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: سمت، ۱۳۸۹، ص ۷۸



نوعی ساخت‌های زبانی را بیاموزند که به وسیله آن قادر باشند رفتار بزهکارانه را توجیه کنند. به اعتقاد ماتزا استفاده از فنون خنثی‌سازی جوانان، جوانان طبقات پایین را قادر می‌سازد بدون این که احساس تقصیر کنند، خارج از چهار چوب اخلاق و قانون عمل کنند.

۶- نظریه کنترل اجتماعی:

مهم‌ترین صاحب نظر رویکرد کنترل اجتماعی، تراوس هیرشی^{۱۲} است. او علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوندهای اجتماعی^{۱۳} آن‌ها دانسته است. وی مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه، مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کج‌رفتاری است. هیرشی چهار جزء اصلی پیوند شخص با جامعه را که مانع ارتکاب جرایم می‌شود به این شرح توضیح داد:

الف) وابستگی^{۱۴}: داشتن «تعلق خاطر» نسبت به افراد و نهادهایی در جامعه، یکی از شیوه‌هایی است که فرد خود را از طریق آن با جامعه پیوند می‌زند. ضعف چنین پیوندهایی موجب می‌شود که فرد خود را در ارتکاب جرم و کج‌رفتاری آزاد بداند.

ب) تعهد^{۱۵}: افراد در هر جامعه، وقت و انرژی خود را صرف دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حسن شهرت می‌کنند و به فعالیت‌های متداول زندگی روزمره «متعهد» هستند، از کج‌رفتاری پرهیز می‌کنند تا موقعیت‌هایی را که به دست آورده‌اند، حفظ کنند.

پ) مشارکت^{۱۶}: افراد چنان خود را مشغول هم‌نوایی می‌کنند که وقتی برای ارتکاب جرم یا حتی فکر کردن در مورد آن باقی نمی‌ماند. «درگیر شدن» در فعالیت‌های مربوط به زندگی روزمره، همه وقت و انرژی آن‌ها را به خود اختصاص می‌دهد و این خود موجب تقویت تعهد می‌شود.

ج) اعتقاد^{۱۷}: افراد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین و مقررات نیز نسبت به دیگران احساس وظیفه اخلاقی می‌کنند و ضعف چنین اعتقادی راه را برای جرم هموار می‌کند.^{۱۸}

مطابق نظریه پیوند اجتماعی، احتمال بزهکاری افرادی که از این ویژگی برخوردار نباشند، افزایش پیدا می‌کند.

12-travis Hirschi

13-Control theories

14-Attachment

15-commitment

16-involvement

17-belief

۱۸- صدیق سروستانی، رحمت‌الله؛ آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، ۱۳۸۹، ص ۵۳



۷- نظریه تقلید و یادگیری:

مطابق این نظریه، مجرمان پیش از هر چیز مردمانی عادی‌اند که به‌واسطه تولد، در فضایی پرورش یافته‌اند که در آن جا جرم را، به‌عنوان یک شیوه زندگی، یاد می‌گیرند. مردم به تناسب میزان برخورد نزدیکی که با هم دارند، از یکدیگر تقلید می‌کنند.^{۱۹} نظریه یادگیری اجتماعی نیز بیان می‌کند که افراد، مجرم به دنیا نمی‌آیند، بلکه این رفتار را در طول زندگی و از اعضاء خانواده و نزدیکان خود می‌آموزند.

۸- نظریه اختلال خلقی:

اختلال استرس پس از سانحه^{۲۰}، اختلالی است که در ارتکاب کج‌روی‌ها و جرایم موثر است. این اختلال می‌تواند اختلالات ذهنی متعددی را به‌ارمغان بیاورد که باعث بروز انحرافات رفتاری و جرم می‌شود. این اختلالات شامل اختلال در فکر کردن، اختلال در احساس و مشکلات دیگر روان‌شناسی است. این اختلالات سبب شده که فرد از انتظارات عمومی و رفتار متعارف اجتماعی دور شود و بر عملکرد مغز افراد تأثیر می‌گذارد. این اختلالات از شکل خفیف تا جنون گسترده می‌شود که باعث از دست دادن شخصیت فرد می‌شود.^{۲۱}

روش تحقیق

پژوهش حاضر، هم از لحاظ (جنبه) کمی و هم از لحاظ (جنبه) کیفی با رویکرد توصیفی تحلیلی است. متغیرهای مستقل به‌کار رفته در پژوهش حاضر، بزهکاری، رفتارهای انحرافی، استفاده از مواد مخدر و الکل و متغیر وابسته تحقیق نیز اجرای مجازات اعدام عضوی از اعضاء خانواده است.

روش‌های تحقیقی متفاوتی در جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی به‌کار برده می‌شود که یکی از این روش‌ها، مصاحبه با مجرمین است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها، مصاحبه عمیق، حول محور پرسش‌نامه‌ای از پیش طراحی شده با یکی از اعضای خانواده‌هایی است که عضوی از آن اعدام شده است.

نمونه این تحقیق متشکل از ۲۰ خانواده است که یکی از اعضاء آن اعدام شده است. مصاحبه با یکی از اعضای خانواده که بعضاً پدر، مادر، خواهر، برادر، همسر و یا فرزندان فرد اعدامی هستند و اعمال مجازات بر عزیزانشان را تجربه کرده‌اند، انجام شده است.

۱۹- ولد، جرج؛ برنارد، توماس و اسنیپس، جفری؛ جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران، انتشارات سمت، چاپ هشتم، ۱۳۹۴، ص ۲۳۶

20-posttraumatic stress disorder

21-Siegel, Larryj, criminology, westwadsworth, publishing, Eleventh edition,2012,p159

هرچند در این روش، امکان دستیابی به جامعه آماری از طریق دستگاه قضا فراهم نبود و هیچ‌گونه همکاری‌ای از سوی دستگاه قضایی صورت نپذیرفت. با این وصف، دستیابی به جامعه آماری و شناسایی اکثر این افراد از طریق وکلای تسخیری و یا انتخابی آن‌ها بود که هماهنگی و اعتماد اولیه را ایجاد و امکان مصاحبه را فراهم نمودند.

یافته‌ها

ابتدا به بررسی ویژگی‌های کلی فرد اعدام‌شده و نیز خانواده او از جمله سن، تعداد افراد خانواده، تعداد محصلین، وضعیت سرپرستی و امرار معاش آنان، به‌منظور شناساندن هرچه بهتر ویژگی‌های خانواده‌های افراد اعدامی می‌پردازیم. در این قسمت وضعیت سنی فرد اعدام‌شده، همسر و فرزندان او در مورد اعدام‌شدگانی که سرپرست خانواده بوده‌اند نشان داده شده است که بررسی و نتایج در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): توزیع فراوانی سن افراد اعدامی، همسر و فرزندان

درصد	فراوانی	سن	
۱۵	۳	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
۴۵	۹	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
۴۰	۸	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	
۱۰۰	۲۰	مجموع	
۱۴	۲	بین ۲۰ تا ۳۰ سال	
۵۷	۸	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
۲۹	۴	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	
۱۰۰	۱۴	مجموع	
۳۶	۱۶	کمتر از ۱۰ سال	
۴۳	۱۹	بین ۱۰ تا ۲۰ سال	
۲۱	۹	بالاتر از ۲۰ سال	
۱۰۰	۴۴	مجموع	

جدول (۱) نشان می‌دهد اکثر افراد اعدامی و همچنین همسران آنها بین سنین ۳۰ تا ۴۰ سال بودند و بیشترین فراوانی فرزندان در سن ۱۰ تا ۲۰ سال است. باتوجه به



نتایج جدول می‌توان گفت میانگین سن افراد اعدامی ۳۸ سال، میانگین سن همسران افراد اعدامی، ۳۲ سال و میانگین سن فرزندان آنها، ۱۶ سال است. در این قسمت، وضعیت سرپرستی افراد اعدامی بر خانواده آنها مشخص شده است که نتایج در جدول توزیع فراوانی (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): توزیع فراوانی سرپرستی خانواده توسط افراد اعدامی

افراد اعدامی	فراوانی	درصد
سرپرست خانواده	۱۷	۸۴
عدم سرپرستی خانواده	۳	۱۶
کل	۲۰	۱۰۰

جدول (۲) توزیع فراوانی وضعیت سرپرستی خانواده توسط افراد اعدامی را نشان می‌دهد. از مجموع ۲۰ نفر اعدامی، ۸۴ درصد آنها سرپرست خانواده بودند و ۱۶ درصد آنها سرپرست خانواده نبودند. نتیجه می‌گیریم که بیشتر اعدام‌شدگان سرپرست خانواده بودند.

در این قسمت به وضعیت تعداد فرزندان اعدام‌شدگان می‌پردازیم. نتایج این بخش در جدول (۳) آمده است.

جدول (۳) وضعیت تعداد فرزندان

تعداد	تعداد فرزندان اعدام‌شدگان
۲	یک فرزند
۵	دو فرزند
۶	سه فرزند
۳	چهار فرزند
۴۴	کل
۲,۷۵	میانگین

باتوجه به نتایج، مشخص می‌شود که از مجموع ۱۶ اعدامی متأهل، ۲ نفر دارای ۱ فرزند، ۵ نفر دارای ۲ فرزند، ۶ نفر دارای ۳ فرزند و ۴ نفر، ۳ فرزند دارند. به‌طور میانگین

می‌توان گفت که اعدام‌شدگان حدوداً دارای ۲ الی ۳ فرزند بوده‌اند. در این قسمت وضعیت تحصیلی و تعداد محصلین در خانواده را بررسی می‌کنیم. نتایج این بخش در جدول (۴) آمده است.

جدول (۴) بررسی تعداد محصلین در خانواده

درصد	فراوانی	اعضاء خانواده
۳۹	۳۷	محصل
۶۱	۵۵	غیر محصل
۱۰۰	۹۱	مجموع

جدول (۴) توزیع فراوانی تعداد اعضاء محصل در خانواده را نشان می‌دهد. باتوجه به این جدول مشخص می‌شود که از مجموع ۹۱ نفر اعضاء خانواده‌های اعدامی، ۳۷ نفر (۳۹ درصد) مشغول به تحصیل هستند. لازم به ذکر است که منظور از محصلین، افراد مشغول به تحصیل در همه مقاطع تحصیلی در آموزش و پرورش و آموزش عالی است.

باتوجه به شاخص‌هایی که در جدول‌ها نشان داده شد و نیز موارد دیگری که امکان قرارگیری آنان در جدول‌ها وجود نداشت، می‌توان این‌طور گفت که بیشتر افراد اعدامی، جوان، متأهل و حدوداً دارای ۲ الی ۳ فرزند بوده‌اند. بیشتر اعدام‌ها در ارتباط با مواد مخدر بوده‌است. باتوجه به سن و وضعیت تأهل و میزان تحصیلات افراد اعدامی، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که علت عمده جرم‌های ارتكابی توسط افراد اعدامی، شرایط سخت اقتصادی و تأمین نیازهای خانواده، نداشتن سواد و مهارت کافی، فرهنگ پایین خانواده‌ها و مکان زندگی، عنوان کرد. اکثر مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کردند که در مناطق پایین شهر زندگی می‌کنند. فرزندان آن‌ها اکثراً بین ۱۰ تا ۲۰ سال، یعنی بحرانی‌ترین سن و یا بعضاً در سن بلوغ قرار داشتند که وقوع این اتفاق در زندگی آنان در این سنین بسیار خطرناک و دارای تبعات اجتماعی زیادی از جمله گرایش به مواد مخدر و مواد روان‌گردان، افت شدید تحصیلی و یا ترک تحصیل، گرایش به بزهکاری و غیره است.

اکثر همسران افراد اعدامی بین سن ۳۰ تا ۴۰ سال بودند که مسئله بیوه‌شدن آن‌ها بسیار با اهمیت است. این زنان گروه بزه دیده جدیدی هستند که پس از اعدام همسر، علی‌رغم تحمل درد و رنج از دست‌دادن عزیز خود و روبه‌روشدن با مشکلات اجتماعی از قبیل ننگی که برای آنان ایجاد شده، وظیفه تأمین درآمد، نگهداری از فرزندان، تهیه مسکن و غیره را به‌تنهایی تحمل می‌کنند. مسئله بیوه‌شدن زنان جوان با وجود مشکلات فراوان می‌تواند سبب گرایش آن‌ها به برقراری روابط نامشروع در سطح وسیع شود.



باتوجه به یافته‌های به‌دست‌آمده از خانواده‌های افراد اعدامی، متغیر افت و ترک تحصیل، ارتکاب بزه، استعمال مواد مخدر و الکل اعضاء خانواده‌های افراد اعدامی، پس از اعدام عضوی از خانواده مورد بررسی قرار گرفته است. افت و ترک تحصیل: نتایج یافته‌ها درمورد تعداد افرادی که ترک تحصیل کرده‌اند و یا افت شدید تحصیلی داشته‌اند، در جدول (۵) نشان داده شده است. ۳۷ نفر از اعضاء خانواده‌ها، محصل بودند که از مجموع این تعداد، ۲۷ نفر آن‌ها (۷۲ درصد) با افت تحصیلی و ۸ نفر آن‌ها (۲۱ درصد) با ترک تحصیل مواجه شده‌اند.

جدول (۵) وضعیت تحصیلی اعضاء خانواده افراد اعدامی

وضعیت تحصیل اعضاء محصل خانواده پس از اعدام	فراوانی	درصد
افت تحصیلی	۲۷	۷۲
ترک تحصیل	۸	۲۱
کل	۳۷	۱۰۰

گرایش به ارتکاب بزهکاری:

در این قسمت تأثیر اعدام بر گرایش به بزهکاری اعضاء خانواده افراد اعدامی، قبل و بعد از اعدام، را بررسی و نتایج در جدول توزیع فراوانی (۶) ارائه می‌شود.

جدول (۶) توزیع فراوانی تأثیر اعدام بر بزهکاری اعضاء خانواده افراد اعدامی

سابقه کیفی	فراوانی	درصد
سابقه کیفی اعضاء خانواده، پیش از اعدام	۱۲	۲۷
سابقه کیفی اعضاء خانواده، پس از اعدام	۳۲	۷۳
کل	۴۴	۱۰۰

باتوجه به جدول (۶) مشاهده می‌شود ۱۲ نفر (۲۷ درصد) از افراد خانواده اعدامی دارای سابقه کیفی، قبل از اعدام و ۳۲ نفر (۷۳ درصد) از اعضاء خانواده اعدامی، پس از اجرای مجازات اعدام مرتکب جرم شده‌اند.

به منظور روشن‌تر شدن موضوع بزهکاری اعضاء خانواده اعدامی، بررسی نوع بزه ارتكابی از جانب آن‌ها بی‌فایده نیست. در این قسمت، نوع بزهکاری ارتكابی توسط

اعضای خانواده‌های اعدامی آمده است. این جرایم، با توجه به میزان فراوانی آن‌ها به سه دسته تقسیم شده و نتایج آن در جدول توزیع فراوانی (۷) ارائه شده است.

جدول (۷): توزیع فراوانی نوع بزه ارتكابی اعضای خانواده افراد اعدامی

نوع بزهکاری	فراوانی	درصد
جرم مشابه با فرد اعدامی	۱۴	۴۳
جرم نامشابه با فرد اعدامی	۷	۲۱
جرایم جنسی و اخلاقی	۱۱	۳۴
کل	۳۲	۱۰۰

باتوجه به جدول (۷)، مشاهده می‌شود ۱۴ نفر (۴۳ درصد) از اعضای خانواده افراد اعدامی جرمی مشابه فرد اعدام شده مرتکب شده و راه او را ادامه داده‌اند. ۷ نفر (۲۱ درصد) جرمی نامشابه با فرد اعدامی مرتکب شده و ۱۱ نفر (۳۴ درصد) مرتکب جرایم جنسی و اخلاقی شده‌اند. بیشتر اعضای خانواده افراد اعدامی پس از اجرای مجازات، همان جرم فرد اعدام شده را مرتکب شده‌اند و گرایش به ارتکاب آن جرم از سایر جرایم بیشتر بوده و پس از آن گرایش به ارتکاب جرایم جنسی و اخلاقی دارای بیشترین فراوانی و ارتکاب جرایم نامشابه با فرد اعدامی از کمترین میزان فراوانی برخوردار بوده است.

استعمال مواد مخدر و الکل: در این قسمت، میزان استفاده از مواد مخدر و الکل، قبل و بعد از اعدام توسط اعضای خانواده‌های افراد اعدامی نشان داده می‌شود که نتایج در جدول توزیع فراوانی (۸) ارائه شده است.

جدول (۸): توزیع فراوانی استعمال مواد مخدر و الکل توسط اعضای خانواده

افراد اعدامی

استعمال مواد مخدر و الکل	فراوانی	درصد نسبت به کل اعضا
قبل از اعدام	۲۰	۲۲
بعد از اعدام	۳۲	۳۵
کل	۹۱	۱۰۰



با توجه به جدول و نمودار شماره (۸) مشاهده می‌شود استفاده افراد از مواد مخدر و الکل، پس از اعدام یکی از اعضاء خانواده، ۱۳ درصد افزایش یافته است.

بحث و بررسی یافته‌ها

باتوجه به یافته‌های به‌دست‌آمده مشخص شد که میزان بزهکاری و ارتکاب جرایم در افرادی که عضوی از خانواده آن‌ها اعدام شده، پس از اعدام افزایش یافته است. می‌توان علل افزایش میزان ارتکاب جرایم را مطابق نظریه‌های جرم‌شناسی که در قسمت مبانی نظری بیان گردید، این‌گونه مورد بررسی قرار داد: چنانچه در نظریه برچسب‌زنی بیان شد، افراد به‌دلیل رفتارهای انحرافی و مجرمانه خود، برچسب مجرمیت خورده و به‌دنبال آن، شخصیت آن‌ها به همین نحو شکل می‌گیرد و مجبور به عضویت در گروه‌های مجرمانه می‌شوند که این موضوع برای اعضاء خانواده‌های افراد اعدامی، زمانی که بدون ارتکاب هیچ جرم و تخلفی و فقط به‌دلیل وابستگی به فرد اعدامی، برچسب مجرمانه می‌خورند، حالت وخیم‌تری پیدا می‌کند و به همین سبب در ورطه بزهکاری می‌افتند.^{۲۲}

مطابق نظریه وابستگی، اعضاء خانواده‌های افراد اعدامی، به‌دلیل ارتباط نزدیک با فرد اعدامی، پس از اعدام به‌سبب جدایی از او (فردی با وابستگی شدید) وارد مرحله جدیدی از زندگی می‌شوند که احتمال ارتکاب جرم و کج‌روی در آن‌ها افزایش پیدا می‌کند. مطابق نظریه فشار مرتون، زمانی که به اعضاء خانواده‌های اعدامی، پس از اعدام، به‌سبب ازدست‌دادن سرپرست خانواده و یا فردی که قبلاً وظیفه امرار معاش آن‌ها را برعهده داشته، از نظر مالی فشار وارد می‌شود و برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های خود با مانع روبرو می‌شوند و اگر به‌منظور دست‌یابی به اهداف راه مشروعی نیابند، ارزش‌ها را زیر پا گذاشته و برای نیل به خواسته‌های خود، دست به هر کاری از جمله ارتکاب جرم و بزهکاری می‌زنند.

مطابق نظریه فنون خنثی‌سازی، افراد خانواده‌های اعدامی، به‌دلیل اینکه در عالم واقع شئون اجتماعی خود را ازدست داده‌اند، باور به تقید اخلاقی به نظم و قانون در آنها خنثی می‌شود و به سمت رفتارهای بزهکارانه کشیده می‌شوند و این رفتارها را در نظر خود موجه می‌پندارند.

مطابق نظریه کنترل اجتماعی، به‌دلیل اعدام عضوی از خانواده به دست دولت و

22- King, Rachel & Norgard, Ketherine ,What About Our Families? Using The Impact On Death Row Defendants Families Members As a Mitigating Factor In Death Penalty,1999 p1138



جامعه، پیوند میان اعضای خانواده‌های اعدامی و دولت و جامعه از بین می‌رود و این موضوع می‌تواند سبب گرایش به ارتکاب بزه و انتقام‌گیری در افراد از جامعه گردد. این مسئله در مورد کودکان حالت وخیم‌تری پیدا می‌کند. کودکان ممکن است دریابند که از پدر یا مادرشان عمل اشتباهی سر زده و باید مسئولیت آن را قبول کنند، ولی نتوانند برنامه‌ریزی عمدی دولت برای کشتن پدر یا مادرشان را درک کنند. ممکن است آن‌ها اختیارات دولت را نفی و حس وفاداری شخصی به دولت را نیز از دست بدهند.^{۲۳}

مطابق نظریه تقلید و یادگیری، به دلیل ارتباط نزدیک اعضای خانواده با فرد اعدامی، قبح رفتار مجرمانه او نزد سایر اعضای از بین می‌رود و در ذهن آنان به صورت رفتار متعارف نقش می‌بندد، لذا تقلید از رفتارهای انحرافی او امر عجیبی نبوده و همچنین مطابق نظریه یادگیری اجتماعی، دلیل گرایش اعضا به ارتکاب رفتارهای مجرمانه مشابه فرد اعدامی آموزشی است که از رفتارهای او کسب کرده‌اند.

بیشترین فراوانی جرایم ارتكابی توسط اعضای خانواده‌های اعدامی متعلق به جرایم مشابه با جرم فرد اعدامی است. در ارتباط با گرایش اعضا خانواده به ارتکاب بزه مشابه با بزه فرد اعدام‌شده، باید اذعان داشت که اعدام مجرمین در بازدارندگی از ارتکاب جرایم آنان از سوی دیگر اعضای خانواده، تأثیر بسیار کمی داشته‌است و برای عدم اثربخشی مجازات اعدام، همین نکته کفایت می‌کند. به‌طور مثال در جرایم مواد مخدر، که نسبت قابل ملاحظه‌ای از اعدام‌های صورت گرفته در کشور ما مربوط به این جرایم است، غالب متهمین مواد مخدر دارای اطراف و نزدیکانی هستند که در زمینه مواد مخدر فعالیت داشته و بعضاً اعدام شده‌اند و یا دارای محکومیت بوده و یا در حال سپری کردن دوران محکومیت هستند.

نتیجه‌ای که از این موضوع دریافت می‌شود این است که اکثر مجرمین مواد مخدر همان‌هایی هستند که عضوی در خانواده آن‌ها به سبب ارتکاب این جرم، محکوم و یا اعدام شده است. حتی برخی از آنان خود شاهد اجرای مجازات اعدام عزیزشان بودند و در آن لحظه هم متأثر شده‌اند، ولی با این وجود اگر پس از ان اعضای باقیمانده خانواده، مرتکب جرمی شوند معمولاً همان راه محکوم و یا فرد اعدامی را ادامه می‌دهند.

این مسئله بازدارندگی اعدام را به‌طور کامل زیر سوال می‌برد، زیرا چنانچه مجازاتی دارای اثر بازدارندگی باشد قاعدتاً باید حداقل بر روی افراد نزدیک به مجرمان و اعدام‌شدگان بیشترین تأثیر را داشته باشد که متأسفانه چنین نبوده است.

جرایم جنسی و اخلاقی، پس از جرایم مشابه فرد اعدامی، بیشترین فراوانی جرایم

۲۳ - الیور رابرتسن و راشل برت، کاهش بار مجازات اعدام پدر یا مادر برای فرزندان، دفتر کوپکر در



ارتكابی توسط اعضاء خانواده را تشكيل می‌دهد. در ارتباط با علل گرایش اعضاء خانواده افراد اعدامی به ارتكاب جرایم جنسی باید به این مسائل توجه کرد که در سالیان اولیه پس از اعدام، تمایل به برقراری روابط نامشروع وجود دارد و علت آن هم از دیدگاه روان‌شناختی نیاز طبیعی انسان به ارضاء غریزه جنسی است و این قبیل روابط موجب کاستن آلام انسان می‌شود. به عبارتی، باقرار گرفتن در این نوع روابط، نه از طرف مقابل بازخواستی در مورد اعدام عزیزشان می‌شوند و نه مجبور به معرفی کامل اوضاع زندگی خود هستند. در واقع حریم امنی در آن رابطه برای آن‌ها ایجاد می‌شود که باعث گرایش افراد به برقراری روابط نامشروع می‌شود.

در مورد افرادی که همسران آن‌ها اعدام شده‌است، به دلیل محرومیت فرد از داشتن رابطه جنسی مشروع، در این مسیر قرار می‌گیرند، زیرا در سال‌های اولیه هنوز فرصت کافی برای پذیرش موقعیت جدید خود پیدا نکرده‌اند و فشارهای ناشی از انگیزه جنسی، آنها را در حالتی بحرانی و استرس‌زا قرار می‌دهد که این امر باعث می‌شود نسبت به برقراری این گونه روابط نگرش مثبتی پیدا کنند. اما به مرور زمان که فرد فرصت کافی جهت سازش با مشکل نیاز جنسی را پیدا کرد، یا مثلاً در مورد همسران، زمانی که ازدواج مجدد می‌کنند، نگرش مثبت نسبت به برقراری رابطه نامشروع تغییر می‌کند.

مسئله بیوه‌شدن زنان جوان از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا تعداد اعدامیان مرد بسیار بیشتر از زنان بوده و بیوه‌شدن زنان جوانی که شوهران آن‌ها اعدام شده و حال بی‌سرپرست و بی‌پناه و اغلب بدون درآمد هستند، تبعات اجتماعی مخرب‌تری را به دنبال دارد. در مورد دیگر اعضای خانواده نیز این نگرش مثبت در برقراری روابط نامشروع جنسی به وجود می‌آید. از دیگر علل گرایش اعضاء خانواده به ارتكاب جرایم جنسی و نامشروع رویارویی با مشکلاتی است که به سبب اعدام عضوی از خانواده، در زمینه ازدواج، با آن روبه‌رو می‌شوند. اغلب انسان‌ها از ازدواج با افرادی که عضوی از خانواده آن‌ها اعدام شده، خودداری می‌کنند. این موضوع در روند ازدواج دختران بیش از پسرها نمود پیدا می‌کند.

فرزندان و خواهر و برادر فرد اعدامی به سبب ویژگی‌ای که خانواده آن‌ها دارد، موفق به تشکیل زندگی مشترک نمی‌شوند و در بسیاری از موارد که ازدواجی صورت گرفته، همراه با ترس و دلهره از فاش شدن موضوع اعدام همراه هستند. علل دیگری که باعث گرایش اعضاء خانواده افراد اعدامی از جمله همسر و دختر در ارتكاب این جرایم آمده، انگیزه کسب درآمد است.

میزان استفاده از مواد مخدر و الكل در اعضاء خانواده‌های افراد اعدامی، پس از اعدام، افزایش چشم‌گیری داشته است. اعضای خانواده اعدامی، پس از اجرای مجازات، به دلیل



ابتلا به بیماری‌های شدید روحی و روانی، به‌دنبال یافتن نقطه امنی هستند. در واقع آثار و عوارض برگشت‌ناپذیر اعدام در زمینه‌های روحی و عاطفی و تربیتی و اقتصادی بر بازماندگان مجرم تحمیل می‌شود، درحالی‌که آنان در ارتکاب جرم نقشی نداشتند و اگر بزرگ‌سالان نقشی داشته‌اند، اطفال معصوم این قبیل محکومان به گناه ناکرده مجازات می‌شوند.

در کشور ما، استفاده از مواد مخدر آسان‌ترین و سریع‌ترین راه برای فراموشی درد و رنج افرادی است که عزیز خود را با اعدام از دست داده‌اند، غافل از اینکه این راه مقطعی و مخرب است و به‌وجودآورنده مشکلات دیگر است. زن یا مردی که همسرش اعدام شده، پس از این اتفاق، وارد مرحله جدیدی از زندگی می‌شوند. احساس تنهایی و از دست دادن همدم از یک طرف و فشارهای زندگی و نگهداری از فرزندان از طرف دیگر، باعث می‌شود که برای کاهش این فشار به هر کاری دست زنند؛ از جمله روی آوردن به مواد مخدر و الکل.^{۲۴} علاوه بر همسران برای تمام اعضای خانواده، گرایش به ماده یا موادی که از فشارهای روانی آن‌ها بکاهد، به‌وجود می‌آید.

میزان ترک تحصیل و افت شدید تحصیلی پس از اعدام در اعضای محصل خانواده‌ها، نسبت به قبل از آن، افزایش زیادی داشته است. مسئله ترک تحصیل در افراد را می‌توان به‌عنوان رفتار انحرافی و حالت خطرناک در نظر گرفت، چرا که تبعات زیادی از جمله تکدی‌گری، شروع اشتغال در سن پایین، قرارگیری در گروه‌های انحرافی و غیره دارد. دلیل بالابودن این وضعیت در خانواده‌های اعدامی نسبت به دیگر خانواده‌ها، می‌تواند ناشی از عدم توانایی تمرکز و تداوم آن به سبب مشکلات روحی و روانی‌ای که اعضای این قبیل خانواده‌ها به آن مبتلا می‌شوند، در نظر گرفت.

در دوران دبیرستان، اعدام یا زندانی شدن طولانی مدت یکی از اعضای خانواده می‌تواند در زمینه‌های بهره‌هوشی، کسب رتبه‌های بالای تحصیلی و امتیازات آموزشی تأثیرگذار باشد. برخی نیز این فرضیه را مطرح کرده‌اند که جدایی از یکی از اعضای خانواده در سنین پائین، سبب افزایش اضطراب می‌شود و این اضطراب، بر وضعیت تحصیلی و هوش افراد تأثیرگذار است و به‌خصوص پیشرفت در ریاضیات را بیش از پیشرفت در مهارت‌های کلامی تحت تأثیر قرار می‌دهد.



نتیجه‌گیری

رویکرد قانون‌گذار در تقنین و تأکید بر اعمال مجازات اعدام، فارغ از اهداف مجازات و توجه به آثار و پیامدهای اجتماعی و جرم‌شناسانه آن بوده است.

لایه‌های زیرین و پیچیده حذف یک فرد از صحنه اجتماع، خود مبحثی جدی و اساسی برای قانون‌گذار و دستگاه قضایی است و نیازمند بررسی‌های اجتماعی و جرم‌شناسانه با رویکرد حمایتی ویژه است. سیاست جنایی کشور با توجه به رویکرد فقهی مقررات، در مورد قتل عمد، لاجرم بر اجرای قصاص به صورت اعدام تأکید دارد و شاید در این خصوص تلاشی در تعویض رویکرد و ساختار مجازات، ثمربخش باشد اما در خصوص جرایمی که حکم اعدام برای آنها به استناد سایر مبانی در نظر گرفته شده است، هم از منظر تحلیل‌های فقهی و هم از منظر جنبه‌های اجتماعی و آسیب‌های اساسی وارده بر خانواده اعدامی و جامعه، می‌توان نوعی نرمش را وارد رویکرد تقنینی نمود که در نهایت به تعدیل این مجازات منتهی گردد.

با وجود اینکه با روند لغو مجازات اعدام در سایر کشورها روبه‌رو هستیم، سخن از حذف مجازات اعدام در حال حاضر در کشور ما با مقاومت‌های اساسی مواجه خواهد شد و نوعی حرکت تدریجی می‌تواند ما را به این هدف نزدیک کند.

در این راستا تحقیقات، حکایت از ورود آسیب‌های جدی بر خانواده فرد اعدامی و در نهایت جامعه دارد؛ گرایش به ارتکاب بزه، افت وضعیت تحصیلی و ترک تحصیل، گرایش به استعمال مواد مخدر و الکل تنها چند نمونه از آثار وخیمی است که اعمال این مجازات بر خانواده محکوم علیه گذاشته است و آنها را محقق می‌سازد.

این آثار فرزندان ناخواسته‌ای هستند که در سطح اجتماع رها می‌شوند و جامعه را درگیر معضلاتی دیگر ساخته و به آن آسیب می‌رسانند. ابتلا به بیماری‌های جدی روحی و روانی، افراد را به سمت راهی خطرناک برای رهایی از آن هدایت می‌کند و گرایش به مصرف مواد مخدر و الکل را افزایش می‌دهد. افت وضعیت تحصیلی که نتیجه وضعیت نابسامان اقتصادی و برچسب‌خوردگی فرد در محیط آموزشی است، فقدان حمایت کافی از خانواده محکوم و رهاکردن آن‌ها در مشکلاتی عمیق و دائمی، خود زادگاه



صدها پدیده شوم اجتماعی است و باعث گرایش این افراد به ارتکاب جرایم می‌شود که درنهایت این جامعه است که تاوان آن‌ها را می‌پردازد. جامعه‌ای که یک مجرم را حذف می‌کند، دوباره خود را برای تولد جرایم دیگر آماده می‌کند و باید هزینه مبارزه با آنها را بپردازد. باتوجه به یافته‌ها مشخص شده است که میزان استعمال مواد مخدر نیز نسبت به قبل از اجرای مجازات در این خانواده‌ها، افزایش چشم‌گیری داشته است که این موضوع بررسی هدف‌مندی را از طرف دولت در جهت جلوگیری از بالارفتن آمار معتادین و مجرمین می‌طلبد.

این پژوهش قائل به لزوم ورود نوعی تغییر در رویکرد تقنینی و لزوم شناسایی و کاهش آسیب‌ها است تا آن‌ها را به حداقل برساند و جامعه را از بلایای قطعی دور نگه دارد. در نتیجه هرگونه تصمیم‌گیری برای تعیین نوع مجازات باید با تحلیل آسیب‌ها به جامعه و خانواده مجرم انجام شود و مقنن با بررسی همه‌جانبه و در حمایت حداکثری از اعضای خانواده مجرمین و پذیرش آثار و پیامدهای آن، آگاهانه تصمیم‌گیری کند؛ نه اینکه فقط نوعی عوام‌گرایی کیفی را از اعدام دیده و تصور کند جامعه را آرام نموده و بر سر شاخی نشیند و بن را ببرد.



فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- احمدی، حبیب؛ جامعه‌شناسی انحرافات، تهران: سمت، ۱۳۸۹، ص ۷۸
- ۲- الیور رابرتسن و راشل برت، کاهش بار مجازات اعدام پدر یا مادر برای فرزندان، دفتر کوپکر در سازمان ملل متحد، ۲۰۱۳
- ۳- سلیمی، علی و داوری، محمد؛ جامعه‌شناسی کج‌روی، قم: پژوهش‌گاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶
- ۴- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله؛ آسیب‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، ۱۳۸۹
- ۵- فرانک‌پی، ویلیامز، ماری لین دین؛ نظریه‌های جرم‌شناختی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: میزان
- ۶- معظمی، شهلا؛ بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۹
- ۷- نجفی ابرنآبادی، علی حسین؛ تقریرات جرم‌شناسی، دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی، ۱۳۷۳
- ۸- ولد، جرج؛ برنارد، توماس و اسنیپس، جفری؛ جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم، ۱۳۹۴

منابع انگلیسی:

9-Siegel, Larry,criminology,westwadsworth,publishing,Eleventh edition,2012

10-Sharp, Susan,hidden victims,2005 -

11-King, Rachel &Niggard, Katherine, WhatAbout Our Families? Using The Impact On Death Row Defendants Families Members as a Mitigating Factor in Death Penalty,1999